

برخی از ویژگی‌های فهلویات مهان کشفی

هاسمیک گرگوسیان

زبان کهن آتورپاتکان (آذربایجان کنونی) که یکی از لهجه‌های ایرانی و تا استیلای مغول زبان مردم این سامان بوده است توسط آثار مکتوب معدودی به ما رسیده است. سخن گفتن به آذری در آتورپاتکان طی نخستین قرن‌های اسلامی و ایرانی بودن آن در مآخذ مختلف تصریح شده است. نویسندگان اسلامی ایرانی و غیرایرانی، این زبان را «آذری» و «الاذریته» نامیده‌اند.

قدیمی‌ترین مرجع در این مورد گفته ابن مقفع (متوفی ۷۵۹/۱۴۲) است که زبان آتورپاتکان را پهلوی می‌شمارد.^۱ یاقوت، مسعودی، ابن حوقل، مقدسی، طبری، ابن خردادبه و غیره از جمله جغرافی‌نویسان و مورخان اسلامی هستند که زبان مردم این سامان را به نام آذری یاد کرده‌اند. اما از زمان تسلط قبایل ترک که عده کثیر آنان در نقاط مختلف آتورپاتکان نشیمن گرفتند، در دوران مغول نفوذ ترکان بیشتر شد و زبان آذری تضعیف گردید و در آخر، طی حکومت صفویان آذری در مراکز عمده آتورپاتکان متروک شد؛ به طوری که کم‌کم ترکی، زبان رایج آتورپاتکان شناخته شد و حتی کلمه آذری توسط برخی نویسندگان ترک و به تبع آنها از طرف بعضی از خاورشناسان، به آن نوع ترکی که در آتورپاتکان (آذربایجان) رواج دارد اطلاق گردید.



با وجود تضعیف روز افزون زبان ایرانی آتورپاتکان از زمان غلبه مغول، گویش‌های این زبان به کلی از میان نرفته، بلکه در نقاط مختلف آتورپاتکان و نواحی اطراف آن به طور پراکنده بازمانده‌اند.

از مناطقی که در آنجا زبان آذری هنوز رواج دارد می‌توان از کرینگان، کلاسور و خوینه رود، گلین قیه، عنبران، چند دهات بخش شاهرود خلخال و غیره نام برد. قابل ذکر است که در این مناطق تا حدود ۷۰-۶۰ سال پیش آذری گسترش بیشتری داشت و امروزه تعداد ایرانی‌زبانان مناطق ذکر شده قطعاً کاهش یافته است. در هر حال این مناطق بازماندگان زبان کهن آتورپاتکان به شمار می‌روند و به معدودی امکان برداشت عینی از این زبان ایرانی را می‌دهند. باید متذکر شد که زبان آذری صورت واحدی نداشته، بلکه دارای لهجه‌های مختلف بوده است. قول مقدسی را^۲ که زبان‌های رایج خود اردبیل را ۷۰ نوع می‌شمارد، با وجود مبالغه فاحشش، باید حاکی از همین تفاوت لهجه‌های محلی آتورپاتکان شمرد. تفاوت‌های لهجه‌های آذری حتی در آثار مکتوب که اصولاً شکل دوبیتی و غزل دارند نمایان است.

این آثار بر حسب قواعد صوتی و برخی لغات، به نواحی مختلف آتورپاتکان متعلق می‌شود. مثلاً همام تبریزی به گویش تبریزی، مهان کشفی به گویش اردبیلی، مغربی تبریزی به گویش تبریزی، شیخ صفی‌الدین به گویش اردبیلی، ابوالمجید بایگانی به گویش اطراف قزوین، اویانج به گویش زنجان و غیره آثار خود را نقل کرده‌اند.

در عین مطالعه این متون آذری، اولین چیزی که به چشم می‌خورد اشکال بسیار جالب و قدیمی واژه‌های آن و به خصوص وجود عناصر لغوی و دستوری بسیار کهن است.

مهان کشفی از بزرگان و شاعران قرن نهم هجری بود که ۱۴ دوبیتی و ۳ غزل ۸ بیتی، ۷ بیتی و ۶ بیتی به زبان آذری برجا نهاده است. اولین بار دکتر محمد امین ادیب طوسی به طور کامل به تفسیر فلهویات مهان کشفی پرداخته است.

احمد کسروی، ماهیار نوابی، عبدالعلی کارنگ، احسان یار شاطر و یحیی ذکاء از جمله دانشمندانی هستند که به آثار کشفی پرداخته و بسیاری از نقاط جالب توجه زبان آذری را روشن نموده‌اند. از اشعار مهان کشفی فقط به معدودی خصوصیات دستوری آنها می‌توان پی برد، زیرا

اولاً فقدان اعراب و تصرف و تصحیف کاتبان، خواندن این اشعار و دریافت تلفظ درست کلمات را دشوار و گاه ممتنع ساخته است؛ ثانیاً تأثیر فارسی و معدود بودن دوبیتی‌ها مانع از آن است که خصوصیات عمده زبان آشکار شود. با این همه می‌توان برخی قواعد صوتی و صرفی و همچنین بعضی لغات مخصوص آذری را از این دوبیتی‌ها دریافت.

● از لغات خاص زبان آذری کلمه *ahnām* یا *ahnāma* است که در اشعار مهان کشفی نیز زیاد به کار رفته است. منظور از آن ولایت حقه و عشق خداوندی است و در اشعار دیگر مؤلفان نیز دیده می‌شود. با نگارش وجه تسمیه این واژه چنین ترجمه‌ای امکان‌پذیر است. به احتمال قوی *ah-* به معنی نفس بلند و صداداری که معمولاً در هنگام احساس اندوه و تأسف می‌کشند، به کار رفته است و *-nāme* هم همان «نامه» فارسی است که به معنی نوشتار یا نامه خطاب به شخص یا کسی کاربرد دارد.

Yar owgīr to āy rū sāyam ejsar,
Yaqīn zānam ki lāvam gīri owsar,
Varam ej bar bizānī vāhīyān šam,
Miyāni ahnāmadāran xakam owsar.

معنی: اگر یک روز تو سایه از بر من برگیری، یقین می‌دانم که فریب افسار مرا خواهد گرفت، اگر تو مرا از در برانی به که رو آورم، میان عاشقان خاک بر سرم.

● کلمه *bar* که در این دوبیتی دیده می‌شود احتیاج به تفسیر دارد. این کلمه به معنی «در» در همه زبان‌های شمال غربی ایران موجود است که تحول صوتی آن را باید مشتق از ایرانی قدیم *-b->dw** دانست که در زبان پارتی نیز متداول بود. ریشه ایرانی قدیم آن *-dwār** است.

● کلمه دیگر مخصوص زبان آذری که در این دوبیتی دیده می‌شود *lāv* به معنی «فریب» است که به احتمال قوی مشتق از ایرانی قدیم *-dab** است یعنی «فریب دادن»، «گول زدن»، رک. فارسی فریب- از ایرانی قدیم *-fradabiya**، کردی *lēb* از **dabiya**، **d-* اول ریشه ایرانی، در بسیاری از واژه‌ها به *-l* تبدیل گردیده که نمونه آن همان *lāv* آذری و *lēb* کردی است.



● *ūyān*-مهان کشفی همه جا این کلمه را به جای «حق» و «خداوند» به کار برده که مشتق از *oran* ترکی است و نه جمع «او» عربی، چنان‌که محمد امین ادیب طوسی^۳ گمان کرده است.

Je ūyān um čū ūyān vanda īmān,
Je ūyān y yānu dil agandaī mān,
čū ūyān mān bi sūy-i xveš xvānēī,
čerā dar ranj-i gēti mandaī.

معنی: از خدا هستم و از طرف خدا رانده شده‌ام و دل و جان از خدا آکنده‌ام، چون خدا مرا به سوی خویش می‌خواند چرا در رنج گیتی مانده‌ام؟

● غیر از کلمه *ūyān* که در این دوبیتی قابل توجه است، کلمه *vanda* نیز به مثابه اصطلاح خاص زبان آذری به چشم می‌خورد. این کلمه از کلمات ارخایک ایرانی است که به احتمال قوی مشتق از ایرانی قدیم **wan* به معنی «راندن» است. این کلمه در لهجه‌های گبری و لری نیز معمول است.

● یک قاعده صوتی نیز که در این دوبیتی موجود است تبدیل حرف *-j* به *-y* در کلمه «*yān*»، فارسی «*jān*» است که از خصوصیات صوتی زبان آذری به‌شمار می‌رود.

● از کلمات خاص زبان آذری که در آثار مهان کشفی به کار رفته است کلمه *ālāve* به معنی «شعله» است. این کلمه اصولاً در گویش‌های فارسی ماوراءالنهر (تاجیکی و غیره) رواج دارد. ولی در فارسی ایران به‌ندرت دیده می‌شود از این جهت وجود این واژه در زبان آذری جالب توجه است. وجه تسمیه معینی ندارد ولی در متون سغدی به شکل *ārāv* (cvóβ) آمده است.^۴ هرچند در لهجه‌های ترکی ماوراءالنهر نیز به صورت *alave* دیده می‌شود ولیکن به احتمال قوی وام‌واژه‌ای است از ایران.

bipam-kāmī kišānī dour-I jahram,
ki īn āšufta gardānī bi tahsam,
Je pīrī amaram ālāve kam kard,
flamānā hīzumī ālūda vahram.

معنی: دور چرخ مرا بخم کامی می‌کشاند که چنین آشفته می‌گرداند از یبیری آذر (شعله) عشقم را اشتعال کم شد. همانا هیزم برف آلوده‌ام (سفیدی مو را به برف تشبیه کرده).

● کلمهٔ دیگر که در این دوبیتی و در زبان آذری به کار می‌رود *vahr* به معنی «برف» است. این نمونه تبدیل *-fr-** ایرانی قدیم به *-hr-* است که از ویژگی‌های مهم لهجه‌های آذری به‌شمار می‌رود. کلمه *vahr* مشتق از ریشهٔ ایرانی قدیم **wafra-* است که در فارسی شکل *barf* دارد.

● نکتهٔ دیگر صوتی، وجود معادل «از» فارسی به صورت *eč, je, ej* و بعضی مواقع *ež* است.

● *āyer* به معنی «آتش، شعله» از کلمات مخصوص زبان آذری است که در اشعار مهان کشفی به چشم می‌خورد. این واژه، بازماندهٔ ایرانی قدیم **ātar-* است، با تحول صوتی *-y->-t-*.

tanam xušk u āyeram tīj abadāya,
az āyer xuš veša xušk ābiya čū.

معنی: تنم خشک و آذرم تیز شده، چوب خشک شده در آتش بهتر می‌سوزد.

● *vaša* یا *vaša* نیز به لغات خاص آذری منسوب می‌گردد. این واژه که در گویش‌های نواحی سواحل جنوبی دریای خزر (تاتی، هرزنی و غیره) به چشم می‌خورد به نظر پروفیسور گارنیک آساطوریان، یکی از ویژگی‌های مشابه لغوی گویش‌های دریای خزر و آذربایجان است و ظاهراً در حیطهٔ زبان‌های قدیم ایرانی به‌ندرت به چشم می‌خورد.

از نظر وجه تسمیه، این واژه را می‌توان از ریشهٔ ایرانی قدیم *xauš* «سوختن» مشتق دانست و به احتمال قوی از شکل **awa-auš*.

● از دیگر قواعد صوتی مخصوص زبان آذری تبدیل *-j-* به *-ž-* است که در کلمه *tīj* به معنی «تیز» در بیت فوق دیده می‌شود.

از اشعار مهان کشفی استنباط می‌شود که با وجود نزدیکی زبان پارسی با زبان آذری و تعلق آنها به شعبهٔ واحدی از زبان‌های ایرانی، این دو زبان ویژگی‌های مشابه چندی دارند. از این جمله می‌توان استفاده پسوند جمع *-īn-* پارسی در آذری و همچنین حرف اضافه *če* را ذکر کرد.

hāmīn kīn pam čē man yān āviyāja,
ajab zānam ki ij-īn, pam yān baram mā.

معنی: چنین که این غم من جان را عذاب می‌دهد، عجب دارم که از این غم جان (سالم) به در برم.

اصولاً حرف اضافه در گویش‌های آذری به داده‌های متون زیر دست به شکل *i-* یا *e-* (از ایرانی قدیم **haya*) دیده می‌شود. ولی در نمونه فوق *čē (čū)* کاربرد حرف اضافه «را» دارد و ظاهراً یکی از ویژگی‌های زبان پارتی است از دوره ایرانی میانه که در آن چنان‌که می‌دانیم حرف اضافه با *čē* نمایان می‌گشت برخلاف فارسی میانه (چه پهلوی و چه متون مانوی) که حرف اضافه در آن *-ī* بوده است. در زبان پارتی تنها نشانه حرف اضافه به وسیله *čē* کاربرد داشته است.

● از دیگر خصوصیات صرفی که از دوییتی‌ها مستفاد می‌گردد وجود چهار گونه ضمیر شخصی است. ضماری که برای اول شخص و دوم شخص مفرد آمده به قرار زیر است:

فاعلی، مفعولی، ملکی، متصل

۱- از من - م

۲- از ته اشتو - ر

● از قواعد خاص صوتی این زبان تبدیل *-t** اصلی میان دو حرکت به *-z* است. این قاعده در ضمیر شخصی متصل دوم شخص مفرد نیز دیده می‌شود. مثلاً فارسی *delat* آذری *dilar*.

ضمیر شخصی فاعلی اول شخص *az* مشتق از *-azam** ایرانی قدیم است که در اوستا به شکل *azem* و در کردی به شکل *az* کاربرد دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ص ۱۳.
۲. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التماسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۳۷۵.
۳. ادیب طوسی، محمد امین، فہلویات ماما عصمت و کشفی به زبان آذری، ایرج افشار، زبان فارسی در آذربایجان، ص ۱۹۳.

4. Henning, W.B., *Acta Iranica: Selected Papers*, Leiden, p. 236.

**منابع**

- ابن ندیم، *الفهرست*، به کوشش فلوگل.
- ادیب طوسی، محمد امین، *فهلویات ماما عصمت و کشفی به زبان آذری*، در ایرج افشار، *زبان فارسی در آذربایجان*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۱۴-۱۷۷.
- مقدسی، محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، لیدن، ۱۹۰۶.
- Asatryan, G. S., *Zametki ob azari-isčeznuvšem yazike Azarbaydjana*, Kosbeščeniyu problem istorii I kulturi Kavkazskoy Albanii I vostočnix provencii Armenii.(rus.)Yer., 1991, ññ, 484-492.
- Henning, W.B., *Acta Iranica: Selected papers*, Leiden, Tehran-Liege, 1977, vol II.
- Yarshater, E. *The Iranian language of Azerbaijan*, in: *EI*., vol. III, London-NewYork, 1989, p. 500-510.
- Henning, W.B., *Acta Iranica: Selected papers*, Leiden, Tehran-Liege, 1977, vol II.